

«مقابله با تروریسم» و تحول‌پذیری سیاست خارجی منطقه‌ای چین در آسیای

مرکزی (۲۰۰۲-۲۰۱۶)

سید اصغر کیوان حسینی*

دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی

شیرین عمرانی‌منش

دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، دانشگاه علامه طباطبائی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۱۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۱/۰۶

چکیده

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و پایان یافتن جنگ سرد، آسیای مرکزی به عرصه رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شد و چین که از دیرباز پیوندهای سستی و ارتباط‌های نزدیکی با کشورهای آسیای مرکزی داشت، توانست جایگاه درخور توجهی را در این منطقه از آن خود سازد. به‌گونه‌ای که به‌نظر بسیاری از تحلیلگران، امنیت و رونق اقتصادی چین در پیوند با این منطقه هویت خاصی یافت. در پی رویداد ۱۱ سپتامبر، تحولات منطقه، به‌ویژه بعد از گسترش فعالیت‌های تروریستی، برای رهبران پکن یعنی «هو جین تائو» و «شی جین پینگ» حساسیت برانگیز بود. به همین دلیل کوشیدند که ردپای مشخصی از این دغدغه را در رفتار خارجی منطقه‌گرایی خویش آشکار کنند. بعد از ۱۱ سپتامبر رخداد برخی رویدادهای دیگر در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به‌شکل برداشت‌های امنیتی متفاوتی در رؤسای جمهور این کشور و به‌دنبال آن، تغییر در برخی سیاست‌گذاری‌های امنیتی چین نسبت به منطقه آسیای مرکزی را منجر شد. برای نمونه می‌توان به شکل‌گیری پیوندهای جدید امنیتی و طرح و اجرای قوانین و مقررات جدید ضدتروریستی در دوره ریاست‌جمهوری شی جین‌پینگ اشاره کرد. با استفاده از روش کتابخانه‌ای پرسش اصلی نوشتار پیش رو، بر مبنای «چگونگی تأثیرپذیری سیاست خارجی منطقه‌گرای چین در مورد آسیای مرکزی از ملاحظه رویارویی با تروریسم در دوره هو و شی» شکل گرفته است. این فرضیه بیان شده است: سیاست خارجی چین درباره منطقه آسیای مرکزی در دوره شی جین‌پینگ در مقایسه با هو جین‌تائو، از جهت‌گیری امنیت‌گرای بیشتری به‌ویژه بر مبنای مبارزه با تروریسم، برخوردار شده است.

کلیدواژه‌ها

سیاست خارجی منطقه‌ای چین، شی جین‌پینگ، مبارزه با تروریسم، مسئله سین‌کیانگ، ملاحظات امنیتی، منطقه آسیای مرکزی، هو جین‌تائو.

* E-mail: a_keivan_h@yahoo.com

نویسنده مسئول:

مقدمه

تحولات دهه پایانی قرن بیستم و استقلال کشورهای آسیای مرکزی، فرصت‌های جدیدی را پیش روی رهبران پکن گشود تا روابط سیاسی و اقتصادی خود با جمهوری‌های آسیای مرکزی را از سر بگیرند. در واقع، اقتصاد در حال رشد چین و جهت‌گیری نوآورانه آن مبنی بر تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای و جهانی، این دولت را ناگزیر به توسعه روابط با کشورهای آسیای مرکزی پیش راند. موج جدید رویارویی جهانی با تروریسم به رهبری دولت‌های غربی به ویژه آمریکا، تحولات منطقه را بر محور شکل‌گیری و توسعه رفتارهای تروریستی با ابتکارهای مدیترتی از سوی بازیگران منطقه‌ای هم‌زمان ساخت. در این میان، چین به سیاست و هدف‌های ضدتروریستی قابل‌تأملی بر محور کاهش ناامنی در مرزهای غربی این کشور متوسل شد. این شرایط با به قدرت رسیدن هو جین تائو هم‌زمان شد. دوره‌ای که روابط اقتصادی چین با کشورهای آسیای مرکزی شتاب بیشتری به خود گرفت. در همین زمینه، ثبات و امنیت منطقه‌ای اهمیت دوچندانی یافت. با روی کار آمدن نسل پنجم چین به رهبری شی جین‌پینگ نیز آسیای مرکزی در ابعاد اقتصادی و امنیتی در سیاست خارجی این کشور جایگاه شایان توجهی پیدا کرد. در این ارتباط، بروز برخی عوامل در سطح داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تعیین رویکردهای اقتصادی و امنیتی نسبت به آسیای مرکزی بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. بررسی این عوامل به شناخت ما در روند سیاست خارجی چین در منطقه، کمک فراوانی می‌کند. در این نوشتار تحولات سیاست خارجی منطقه‌ای پکن در بعد امنیتی را در بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۶ بررسی می‌کنیم و به این پرسش پاسخ می‌دهیم: «چگونه سیاست خارجی منطقه‌گرای چین در مورد آسیای مرکزی در فضای بعد از ۱۱ سپتامبر از ملاحظه‌مقابله با تروریسم تأثیر پذیرفت؟» پاسخ نیز در قالب این فرضیه ارائه می‌شود که سیاست خارجی چین در خصوص آسیای مرکزی در دوره شی در مقایسه با هو، به صورت گسترده‌ای نسبت به گسترش تروریسم در منطقه حساس بوده و از جهت‌گیری امنیت‌گرای بیشتری به‌ویژه بر مبنای مبارزه با تروریسم برخوردار شده است.

در سازمان‌دهی این نوشتار در اولین بخش، مکتب تحلیل سیاست خارجی و الگوی تداوم و تغییر را معرفی می‌کنیم. سپس ضمن اشاره به اصول سیاست خارجی چین در زمان هو جین‌تائو، عوامل داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیرگذار بر روابط امنیتی چین و آسیای مرکزی را در این دوره بیان می‌کنیم. در بخش بعدی نیز به اصول سیاست خارجی شی جین‌پینگ اشاره و عوامل داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیرگذار بر روابط امنیتی چین و آسیای مرکزی در این دوره را بررسی می‌کنیم. سرانجام پس از واکاوی سیاست خارجی چین

در ابعاد امنیتی نسبت به آسیای مرکزی در دوره‌هایی که اشاره شد؛ ادعای مطرح‌شده در فرضیه را تجزیه و تحلیل و در پایان نتیجه‌گیری می‌کنیم.

مکتب تحلیل سیاست خارجی

این مسئله که دولت‌ها چرا تصمیم‌های خاصی را می‌گیرند و به‌شکل‌های مختلف به محیط بین‌المللی خود و کنش دیگر دولت‌ها واکنش نشان می‌دهند، اهمیت اساسی دارد. در واقع، سیاست خارجی می‌تواند راهی برای فهم روابط یا به معنایی خاص‌تر، سیاست بین‌الملل باشد؛ زیرا سرانجام این تعاملات دولت‌ها است که تا حد زیادی به سیاست بین‌الملل شکل می‌دهد (Moshirzadeh, 2015: 142-143). در میان چارچوب‌های تحلیلی که در مورد سیاست خارجی مطرح‌شده، «مکتب تحلیل سیاست خارجی» بر آن است تا با در نظر گرفتن نقش دولت‌ها و افراد تصمیم‌گیر درون آن‌ها تبیین جدیدی از تحولات نظام بین‌الملل ارائه کند. از هدف‌های این مکتب بررسی «تغییر» در سیاست خارجی دولت‌ها است. مطالعه تغییر سیاست خارجی مستلزم رهیافتی است که به‌صورت هم‌زمان به نقش عوامل داخلی و بین‌المللی، کارگزاری سیاسی و فرایند تصمیم‌گیری، توجه کند. مدل «تداوم و تغییر» سعی در توجه هم‌زمان به این عوامل دارد (Gustavsson, 1999: 83).

منابع و عواملی که به‌واسطه «افراد تصمیم‌گیر» فعال در «فرایند تصمیم‌گیری» در رخداد تغییر سیاست خارجی مؤثرند به دو دسته عوامل داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌شوند. جاکوب گوستاوسون، ابداع‌کننده این مدل، هرکدام از آن‌ها را نیز به عوامل اقتصادی و سیاسی تقسیم کرده است. مرحله بعدی در خصوص عامل شناختی است؛ زیرا این واقعیت عینی نیست که اهمیت دارد، بلکه برداشت و طرز تلقی تصمیم‌گیران از آن و چگونگی واکنش آن‌ها در مقابل واقعیت عینی مهم است؛ بنابراین مدل گوستاوسون بر این فرض استوار است که تأثیرگذاری منابع تغییر بر سیاست خارجی مستلزم درک این منابع توسط افراد تصمیم‌گیر و سپس دگرگونی باورهای آنان است. پشتوانه نظری این دیدگاه را می‌توان در ادبیات گسترده موجود درباره «سیاست دیوان‌سالارانه» مشاهده کرد (Khosravi and Mirmohammadi, 2014: 233).

در این نوشتار رؤسای جمهور چین (هو جین‌تائو و شی جین‌پینگ) عاملان شناختی تعیین‌کننده، تأثیرگذار و تأثیرپذیر در فرایند سیاست خارجی این کشور، شناخته شده‌اند. در واقع در این نوشتار ادعا شده است که ذهنیت رؤسای جمهور چین به‌عنوان افراد اصلی تصمیم‌گیر در دستگاه سیاست خارجی این کشور از وقوع برخی عوامل سیاسی و اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی تأثیر پذیرفته و به تغییر در برخی رویکردهای سیاست خارجی این کشور نسبت به منطقه آسیای مرکزی منجر شده است. با توجه به اهمیت و حساسیت محیط

منطقه‌ای آسیای مرکزی، عوامل سیاسی و اقتصادی در سطح منطقه‌ای را نیز باید در این مدل جای داد. در نتیجه، عوامل مؤثر بر فرد تصمیم‌گیر را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی می‌کنیم. لازم به ذکر است که به دلیل گسترده‌بودن مباحث امنیتی و اقتصادی تأثیرگذار بر تغییر در سیاست خارجی چین، بررسی عوامل ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در بعد اقتصادی به نوشتار دیگری موکول و در این نوشتار فقط عوامل تأثیرگذار بر تغییر در بعد امنیتی بررسی شده است. برای فهم دقیق‌تر رویکردهای امنیتی رؤسای جمهور چین به منطقه آسیای مرکزی و چگونگی تأثیرپذیری از تحولات داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ضروری است در این بخش به اصول سیاست خارجی آن‌ها اشاره شود.

اصول سیاست خارجی چین در دوره هو جین تائو، با تأکید بر ملاحظات امنیتی آسیای مرکزی (۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲)

الف) اصول سیاست خارجی

در پی روی کار آمدن هو جین تائو در سال ۲۰۰۲، سیاست خارجی چین به‌طور کلی بر کاهش تنش با همسایگان و کشورهای منطقه متمرکز شد. مهم‌ترین اصول سیاست خارجی این کشور در این زمان بر این محورها قرار گرفت:

۱. **خیزش مسالمت‌آمیز:** هو اعلام کرد که کشورش هیچ‌گاه به‌دنبال هژمونی نبوده است و نخواهد بود. بر این پایه، خیزش مسالمت‌آمیز به‌دنبال ایجاد یک محیط جهانی مسالمت‌آمیز است تا صلح جهانی از راه توسعه تضمین شود. به این معنا که رشد اقتصادی چین، رشد و توسعه اقتصاد، دانش و فناوری جهانی را نیز در پی خواهد داشت (Buzan, 2010: 32-33).

۲. **دیپلماسی پیرامونی:** بر این پایه چین به‌دنبال حفظ منافع ملی در مناطق پیرامونی است و تحقق هیچ‌گونه هدف‌های ایدئولوژیکی، در ارتباط با مناطق هم‌جوار را در سر نمی‌پروراند (Callahan, 2016: 232-228).

۳. **جهان هماهنگ:** هو جین تائو معتقد است تاریخ اثبات کرده است تنها با ایجاد اتحاد نزدیک‌تر و درک متقابل و برابر از منافع، می‌شود به آینده و توسعه جوامع انسانی امیدوار بود؛ زیرا در این جهان چالش‌ها و فرصت‌ها در کنار یکدیگر قرار دارند و در صورتی که بتوان در این دوره مهم تاریخی بر چالش‌ها فائق آمد، می‌توان زمینه را برای رسیدن به جهان هماهنگ با صلح و رفاه دائمی فراهم کرد (Masayuki, 2009: 57).

۴. **درهم‌تنیدگی توسعه و امنیت:** از نظر هو جین تائو امنیت و توسعه به هم گره خورده‌اند و برای حل منازعات و دموکراتیک‌سازی در سیاست جهان و رسیدن به جامعه و جهانی

هماهنگ، باید دستیابی به امنیت و توسعه در صدر سیاست‌های داخلی و خارجی قرار گیرد (Mariani, 2013: 3).

ب) اصول ناظر بر سیاست خارجی در آسیای مرکزی

هو جین تائو مبنای سیاست خارجی خود در آسیای مرکزی را بر تأمین ثبات منطقه‌ای استوار کرد. در حالی که امنیت و توسعه مهم‌ترین موضوع‌ها و دغدغه‌های وی برای روبه‌رو شدن با آسیای مرکزی را شامل می‌شد، تنها راه‌حل کاهش یا حتی از بین بردن تنش‌های قومی و سیاسی به‌ویژه در مناطق حساسی چون منطقه خودمختار سین‌کیانگ را تکیه بر قدرت باورنکردنی توسعه اقتصادی می‌دانست (Mariani, 2013: 3). به‌طور کلی می‌توان گفت رویکرد امنیتی سیاست خارجی چین در دوره هو جین تائو در ارتباط با منطقه آسیای مرکزی از سه ملاحظه اساسی یعنی تروریسم (در درجه اول)، تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی ریشه می‌گرفت. در این قسمت ضروری است به زمینه‌های آسیب‌پذیری چین از تحولات بحران‌ساز در سین‌کیانگ، ضعف‌های شدید ساختاری در دولت‌های آسیای مرکزی و نقش آمریکا در منطقه بپردازیم؛ سه محوری که در قالب سه سطح تحلیل داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار می‌گیرند.

ج) مسئله سین‌کیانگ (متغیر تلاقی بخش منابع تهدید در سطح‌های ملی و منطقه‌ای)

سین‌کیانگ نقطه تمرکز این بحث بر منابع تهدیدزا در حوزه آسیای مرکزی (در زمان رهبری هو) است. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، چین بیش از هر چیز از گسترش موج بی‌ثباتی از آسیای مرکزی به استان «سین‌کیانگ» و دامن زدن به جدایی‌طلبی «اویغورها» نگران بود؛ زیرا در موضوع سین‌کیانگ، سه مسئله جدایی‌طلبی، افراط‌گرایی مذهبی و تروریسم به هم گره خورده‌اند. در همین زمینه، اختلاف سطح توسعه‌یافتگی شرق و غرب چین در زمان هو جین تائو چنان دچار شکاف شده بود که سران حزب کمونیست از آن به عنوان یک تهدید امنیتی جدی یاد می‌کردند (Verdinejad and Others, 2011: 341, 345). از سوی دیگر، ۸ میلیون مسلمان این منطقه که بیشتر ترک و اویغور هستند و ۴۵ درصد جمعیت سین‌کیانگ را تشکیل می‌دهند (Buyarov and Others, 2016: 1-2)، بیش از هان‌های چینی به اقوام مسلمان آسیای مرکزی احساس نزدیکی می‌کنند؛ این احساس هم‌بستگی، امنیت سین‌کیانگ و آسیای مرکزی را بیش‌ازپیش به نگرانی سران حزب تبدیل کرده بود (Tukmadiyeva, 2013: 91-95).

از دیگر وجوه تهدیدزا در این منطقه، فعالیت گروه‌های سازمان‌دهی شده از جمله «جنبش اسلامی ترکستان شرقی» بود. با فعال شدن «جنبش اسلامی ترکستان شرقی» در این منطقه و

آموزش نیروهای آن در کنار جنگ جویان افغان، این جنبش همواره مسئولیت بسیاری از عملیات تروریستی را برعهده می‌گرفت که در سین کیانگ و در طول مرزهای آسیای مرکزی انجام می‌شد. آن‌ها از سین کیانگ به کشورهای همسایه نفوذ می‌کردند و از آسیای مرکزی به عنوان پناهگاهی برای مدیریت عملیات تروریستی خود، بهره می‌بردند و با ایجاد همبستگی با اویغورهای ناراضی آسیای مرکزی، به عملیات خود ابعاد تهدیدآمیزتری می‌بخشیدند. یکی از صحنه‌های این تحرک‌های بحران‌ساز، در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ در منطقه ارومچی مرکز، استان سین کیانگ شکل گرفت که با سرکوب خونین دولت چین روبه‌رو شد (Mackerras, 2012: 504-505).

ذخایر مهم انرژی در سین کیانگ از دیگر عامل‌های افزایش ضریب حساسیت و نگرانی دولت چین نسبت به این منطقه است. سین کیانگ ذخایر قابل توجهی از نفت بالغ بر ۲۰/۹ میلیارد تن و ۱۰/۸ تریلیون مترمکعب گاز دارد. این میزان تقریباً ۲۵ درصد کل ذخایر چین است. بر این اساس، سین کیانگ همواره نقش بسیار مهمی در امنیت عرضه نفت چین به عهده داشته است. نه تنها به این دلیل که سومین تولیدکننده بزرگ نفتی در میان استان‌های چین است؛ بلکه به دلیل موقعیت انتقالی ویژه، تنها منطقه‌ای است که امکان حمل‌ونقل انرژی از آسیای مرکزی به چین را فراهم می‌کند (Atli, 2011: 124). در نتیجه، تأمین امنیت و ثبات در سین کیانگ مترادف بود با تأمین امنیت انتقال ذخایر انرژی چین در این منطقه.

د) وجود ضعف‌های شدید ساختاری در دولت‌های آسیای مرکزی (متغیر سطح تحلیل منطقه‌ای)

در دوره زمانی مورد بحث یکی از مهم‌ترین عوامل تهدید چین در سطح منطقه‌ای از ضعف‌های شدید ساختاری و کارکردی دولت‌های آسیای مرکزی ناشی می‌شد که به شکل منطقی بر مدیریت مؤثر تهدیدهای امنیتی تأثیر کاهنده داشت. بی‌ثباتی در منطقه، ضریب خطر سقوط حکومت‌های موجود و روی کارآمدن حکومت‌های افراطی در این کشورها را افزایش می‌داد و این کشورها را به پناهگاه امنی برای فعالیت تروریست‌ها و جدایی طلبان تبدیل می‌کرد (Swanström, 2011: 60). پس از رخداد انقلاب لاله در قرقیزستان نگرانی‌های چین در مورد ناتوانایی همسایگان خود در کنترل فعالیت‌های تجزیه طلبان در طول مرزهای مشترک افزایش یافت. این نگرانی در حالی است که در ژوئن ۲۰۰۲ جدایی طلبان اویغور به قتل کنسول چین در بیشکک متهم شدند و در مارس سال بعد نیز حمله تروریستی به یک اتوبوس مسافرتی به آنان نسبت داده شد که به کشته شدن ۲۱ سرنشین چینی آن منجر شد (Razani, 2010: 56-58).

ه) نفوذ آمریکا در منطقه (متغیر سطح تحلیل فرامنطقه‌ای)

تلاش آمریکا برای افزایش حضور در منطقه آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد شوروی و تلاش چین برای جلوگیری از این موضوع از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی چین در آسیای مرکزی محسوب می‌شد. رخداد رویداد ۱۱ سپتامبر، اشغال افغانستان، حضور مستقیم نظامی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و به‌ویژه با در اختیارگرفتن دو پایگاه نظامی خان‌آباد ازبکستان و ماناس قرقیزستان به موازات نگاه راهبردی و ژئوپلیتیکی آمریکا به طرح‌های اقتصادی منطقه از جمله خطوط انتقال انرژی، موجب شد تا نگاه رهبران چین به منطقه آسیای مرکزی به‌صورت قابل توجهی تغییر کند. علاوه بر حضور مستقیم نظامی آمریکا در آسیای مرکزی به بهانه مبارزه با تروریسم، تلاش آمریکا برای تغییر حکومت در جمهوری‌های پشاوروی که در قالب «انقلاب‌های رنگی» نمود یافت از چشم رهبران پکن پوشیده نبود و این‌گونه تکاپوهای تحریک‌آمیز، گمان چین نسبت به حضور تهدیدآمیز آمریکا در منطقه را بیش از پیش به یقین تبدیل می‌کرد (Blank, 2011: 265).

و) سازمان همکاری شانگهای، بستر نهادی تمهیدهای پکن برای پیشبرد رویکرد مقابله با تروریسم در دوره هو جین تائو

در حالی که آمریکا موضوع اسلام‌گرایی و پیوند آن با تروریسم را مهم‌ترین تهدید علیه لیبرال دموکراسی تلقی می‌کرد و این موضوع را بهانه‌ای برای تحقق هدف‌های هژمونیک خود در منطقه قرار داد؛ چین تلاش کرد با توسعه همکاری دفاعی مسکو-پکن، گسترش و تقویت «گروه شانگهای پنج» به سطح «سازمان همکاری شانگهای» در سال ۲۰۰۱ و رسمیت پیدا کردن موجودیت سازمان از نظر حقوقی در ژوئن ۲۰۰۲ و گسترش دامنه اعضا و حوزه جغرافیایی این سازمان امنیتی به تروریسم از منظر امنیت داخلی و منطقه‌ای نگاه کند. با این هدف، چین با بهره‌گیری از ابزار سازمان همکاری شانگهای توانست حضور فعال‌تری را به‌ویژه در ارتباط با برگزاری رزمایش‌های نظامی مشترک در این منطقه به نمایش بگذارد (Koozegar Kaleji, 2015: 340-342). همچنین چین با تلاش برای ایجاد سازوکارهای جدید در این سازمان مانند تأسیس ساختار ضدتروریستی در تاشکند، افزایش بودجه‌های قابل تخصیص به سازمان شانگهای برای تقویت بیشتر جایگاه این سازمان در معادلات منطقه‌ای تلاش کرد (Vaezi, 2011: 23-24).

اصول سیاست خارجی شی جین پینگ با تأکید بر ملاحظات امنیتی معطوف به حوزه آسیای مرکزی

الف) اصول ناظر بر سیاست خارجی شی جین پینگ

با روی کار آمدن شی جین پینگ سیاست خارجی این کشور رویکرد فعالانه تری در پیش گرفت. شی در مقایسه با هو، نسبت به ماهیت سیاست جهانی خوش بینی کمتری دارد و راهبرد خود را برای رسیدن به هدف های سیاست خارجی، قاطعانه تر و تهاجمی تر دنبال می کند (He and Feng, 2013: 229). دولت شی جین پینگ در سند راهبرد امنیتی - نظامی خود در سال ۲۰۱۵ برای نظم دادن به امنیت نظام بین الملل؛ مفهوم «گسترش فعالانه همکاری های نظامی و امنیتی» را به کار برده است و بر ایجاد یک سازوکار جدید منطقه ای برای افزایش سطح همکاری های امنیتی و نظامی در محیط پیرامونی خود تأکید کرده است (Heath, 2016: 4). برخی مفاهیم جدید سیاست خارجی چین در این دوره عبارت اند از:

۱. **رؤیای چینی:** مفهوم «رؤیای چینی» که به توسعه چین در دهه های آینده اشاره دارد. براساس چشم اندازی در نظر گرفته شده است تا سال ۲۰۲۱، صدمین سال ایجاد حزب کمونیست، استانداردهای زندگی مردم این کشور باید به سطح جوامع به نسبت مرفه برسد و تا سال ۲۰۴۹، صدمین سال ایجاد جمهوری خلق چین نیز این کشور در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و نظامی باید به شکوفایی رسیده باشد. در واقع به یک ابرقدرت تبدیل شود (Sørensen, 2015: 56).

۲. **ضرورت بازنگری در الگوی تعاملی قدرت های بزرگ:** براساس این دیدگاه نظم حاکم بر نظام بین الملل به رهبری آمریکا در راستای منافع چین نیست و باید تغییر کند. در واقع راهبرد جدید بر این موضوع تأکید دارد که چین باید براساس جایگاه جدید خود به عنوان قدرتی بزرگ عمل کند. بنابر نظر شی، در حالی که چین به توسعه مسالمت آمیز متعهد است؛ اما دیگر نباید حقوق مشروع را کنار بگذارد و منافع اصلی خود را قربانی کند (Kallio, 2016: 3-5).

۳. **سرنوشت مشترک جوامع:** چینی ها در تلاش برای دموکراتیک سازی نظام بین الملل با این نگاه هستند که سرنوشت جهان را باید همه کشورهای تعیین کنند. در واقع این مفهوم نشان دهنده یک راه حل چینی برای رسیدن به توسعه و ثبات در دنیا و حل چالش های پیش روی کشورهای آسیایی و در نتیجه جهان است (Kallio, 2016: 15).

ب) اصول ناظر بر سیاست خارجی معطوف به منطقه آسیای مرکزی شی جین پینگ

هدف های سیاست خارجی چین در دوره ریاست جمهوری شی، نسبت به آسیای مرکزی در این محورها خلاصه می شود:

۱. حفظ ثبات سیاسی در دولت‌های غیردینی آسیای مرکزی؛
۲. افزایش نفوذ چین و محدودسازی نفوذ قدرت‌های دیگر؛
۳. پیشبرد منافع اقتصادی چین از راه راهبرد «یک کمربند، یک جاده».

ج) عوامل داخلی مؤثر بر ملاحظات امنیتی چین در دوره شی نسبت به آسیای مرکزی: افزایش فعالیت‌های تروریستی و خشونت‌آمیز در چین

پس از درگیری‌های سال ۲۰۰۹ در ارومچی، فعالیت‌های خشونت‌آمیز «جنبش اسلامی ترکستان شرقی» در این کشور شدت گرفت. مقام‌های چینی معتقدند که روند فعالیت گروه‌های تروریستی تغییر کرده است و این گروه‌ها هدف‌های خود را بر محورهای، گسترش حوزه جغرافیایی فعالیت، به حداکثر رساندن تلفات، افزایش فرکانس حمله‌ها و افزایش پیچیدگی حمله‌ها قرار داده‌اند. (Tanner and Bellacqua, 2016: 32). از جمله اقدام‌های تروریستی در بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

- در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۲ در سین کیانگ اقدام به هواپیمارمایی در خط هوایمایی تیانجین (از ختن به ارومچی) توسط شش اویغور؛
- در ۲۲ مه ۲۰۱۴ در سین کیانگ، پنج مهاجم ده مواد منفجره را به خیابانی در بازار شلوغ ارومچی انداختند و این رویداد ۴۳ کشته و ۹۰ زخمی برجای گذاشت؛
- ۲۸ ژوئیه ۲۰۱۴ در سین کیانگ، به گزارش شین هوا در حمله‌ای تروریستی در ایستگاه پلیس در سین کیانگ ۱۰۰ نفر کشته شدند؛
- در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۵ در سین کیانگ، در یک معدن زغال‌سنگ در شهرستان آکسو تعدادی مهاجم با ضرب چاقو، ۵۰ نفر را به قتل رساندند که بیشتر از چینی‌های هان بودند. مقام‌ها محلی این رویداد را به جدایی‌طلبان نسبت دادند (Tanner and Bellacqua, 2016:30-32).

با پیچیده‌تر شدن این فعالیت‌ها، شی جین‌پینگ در سخنرانی خود در ۲۵ آوریل ۲۰۱۴ در دفتر سیاسی حزب کمونیست، بر «حفاظت از امنیت ملی و ثبات اجتماعی» تأکید کرد و خواستار «اقدام‌های قاطع» علیه تروریسم و بسیج عمومی مردم و گروه‌های قومی شد. در سند امنیت ملی ژوئن ۲۰۱۵ نیز که تدوین مجموعه‌ای جامع از سیاست‌های امنیت ملی کشور است، بر مبارزه با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی مذهبی، بیش از پیش تأکید شد (Tanner and Bellacqua, 2016: 2).

د) عوامل منطقه‌ای مؤثر بر ملاحظات امنیتی چین در آسیای مرکزی

۱. خروج نیروهای ناتو و آمریکا از افغانستان: خروج بخش مهم نیروهای آمریکایی و اعضای ناتو از افغانستان، موجب نگرانی چین از شرایط منطقه شد. سران پکن از یکسو خروج نیروهای آمریکا و ناتو از افغانستان را به معنی ارتقای امنیت مناطق مرزی کشور و کاهش تهدیدهای ناشی از حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای می‌دانستند؛ اما از سوی دیگر، به شدت نگران خلأ قدرت ناشی از آن بودند؛ چراکه باوجود ناتوانی ارتش و پلیس افغانستان در کنترل شرایط امنیتی، دامنه بی‌ثباتی و تهدید ناشی از افزایش قاچاق مواد مخدر و گسترش موج تروریسم و فعالیت گروه‌های تندروی مذهبی می‌توانست از افغانستان به آسیای مرکزی و سپس منطقه سین‌کیانگ گسترش یابد. ناگفته نماند که این دغدغه به فصل مشترک امنیتی پکن با سه کشور ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان نیز تبدیل شده بود (Koozegar Kaleji, 2015: 348-349).

۲. نفوذ داعش در منطقه: نفوذ گروه تروریستی «دولت اسلامی عراق و شام» در آسیای مرکزی، منطقه را بیش از پیش با خطر بنیادگرایی و تروریسم روبه‌رو ساخت. برخی اطلاعات آماری نشان می‌دهند که حدود ۲ تا ۴ هزار نفر از تاجیکستان، ازبکستان و دیگر کشورهای آسیای مرکزی وارد سوریه شده و با انگیزه‌های مختلف به گروه تروریستی داعش پیوسته‌اند (Crisis Group, 2015: 1). این وضعیت با توجه به نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ضعیف و ناکارآمد در آسیای مرکزی، با حساسیت بیشتری همراه شد؛ زیرا مخاطب قرار گرفتن جوانان معترض و آرمان‌گرای کشورهای آسیای مرکزی، نگرانی از پیوستن جوانان به داعش و تحریک شدن علیه ساختار سیاسی کشورشان را بیشتر می‌کرد (Ibraev, 2016: 8-7). مقام‌های امنیتی قزاقستان در اوت ۲۰۱۵ اعلام کردند که حدود ۲۵۰ تا ۴۰۰ نفر از شهروندانشان به عضویت داعش درآمده‌اند (Tucker, 2016: 2-4). مرکز بین‌المللی مطالعات افراط‌گرایی و خشونت سیاسی^۱ نیز از حدود ۳۶۰ نفر از شهروندان ترکمنستان سخن گفت که به استخدام داعش درآمده‌اند (Dyner and Others, 2015: 8). تاجیکستان نیز با داشتن حدود ۱۳۵۰ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان و ضعف‌های شدید اقتصادی و اجتماعی، بیش از دیگر کشورهای آسیای مرکزی در معرض هجوم افراط‌گرایان و تروریست‌ها قرار دارد. نقاط ضعف مرزی تاجیکستان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین گذرگاه‌های آسیای مرکزی به افزایش تهدید بالقوه شبه‌نظامیان اسلامی در این منطقه منجر شده است (Crisis Group, 2016: 2). بنابر اطلاعات دولت تاجیکستان، حدود ۴۰۰ شهروند این کشور به مبارزان داعش پیوسته‌اند (Dyner and Others, 2015: 7).

1. The International Centre for the Study of Radicalisation and Political Violence (ICSR)

ه) عوامل بین‌المللی مؤثر بر ملاحظات امنیتی چین در دوره شی در آسیای مرکزی: آمریکا و سیاست «آسیامحور»

با روی کار آمدن باراک اوباما به ریاست‌جمهوری آمریکا، تمرکز و جهت‌گیری راهبردی این کشور از خاورمیانه به شرق دور، ابعاد جدیدی به خود گرفت. ارائه طرح «آسیامحور» وی در سال ۲۰۱۲ نگرانی سران پکن و رهبری جدید چین را به همراه داشت؛ چراکه مقام‌های چینی معتقدند این سیاست‌ها بخشی از سیاست کلی مهار چین در راهبرد امنیتی-سیاسی ایالات متحده است. بسیاری از تحلیلگران معتقدند که سفر جان کری به‌عنوان اولین مقام عالی‌رتبه آمریکا به آسیای مرکزی در راستای همین سیاست قرار دارد. در واقع آمریکا با حضور در منطقه و ظاهر شدن در نقش متحد و شریک در مبارزه علیه تروریسم و توسعه اقتصادی منطقه، به دنبال جبران وزن ژئوپلیتیکی در آسیای مرکزی است (Rumer and Others, 2016: 22). این در حالی است که اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل معتقدند که پیش‌تر، آسیای مرکزی به‌واسطه افغانستان برای آمریکا اهمیت پیدا می‌کرد؛ ولی هم‌اکنون با هدف کاهش نفوذ چین، منطقه را رصد می‌کند (Kucera, 2015). در نتیجه، بدیهی است که رشد روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی آمریکا با کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه قزاقستان و ازبکستان (Rumer and Others, 2016: 22-23)، نگرانی چین از به‌خطر افتادن منافعش در این منطقه را دو چندان کرده باشد. به همین دلیل تحلیلگران بر این باورند که ابتکار طرح «یک کمربند، یک جاده» شی جین‌پینگ به‌عنوان حرکتی برای به‌چالش کشیدن طرح اوباما و استقرار وضعیت بازی با حاصل جمع صفر در منطقه در نظر گرفته شده است (Zimmerma, 2015: 6). از این منظر آسیای مرکزی به‌معاوضه اطمینان راهبرد گسترش نفوذ چین تبدیل شده است تا از این راه بتواند منافع خود را در منطقه، پس از خروج آمریکا از افغانستان دنبال کند (Clarke, 2016: 297).

و) اقدام‌های پکن بر محور مبارزه با تحركات‌های تروریستی در منطقه آسیای مرکزی

۱. طرح و اجرای قوانین و مقررات جدید ضدتروریستی: در دسامبر ۲۰۱۵ قوه مقننه چین برای اولین بار قانون مبارزه با تروریسم را برای حفظ امنیت داخلی و حمایت از امنیت جهانی، تصویب کرد. این قانون جدید امکان حمایت قانونی و مشروع از مبارزه علیه فعالیت‌های تروریستی و همچنین همکاری با جامعه جهانی را فراهم می‌کند. در این قانون تشکیل مرکز اطلاعات ملی برای هماهنگی بین اداره‌های اطلاعاتی و امنیتی داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در مبارزه با تروریسم پیش‌بینی شده است. اگرچه هدف این قانون در درجه اول مبارزه با تروریسم در داخل کشور است، ماده ۷۶ از پیش‌نویس این قانون، سازوکاری را برای انجام عملیات ضدتروریستی در خارج از کشور ارائه کرده است که اجازه می‌دهد با تأیید مقام‌های

امنیتی - نظامی یا عالی‌رتبه در کشورهای میزبان، چین به انجام عملیات ضدتروریستی در آن کشورها اقدام کند (Xinhuanet, 2015). به گزارش کمیسیون اقتصادی-امنیتی کنگره آمریکا بر محور «روابط چین و آسیای مرکزی»، آسیای مرکزی بیش از پیش به اولویت چین برای برگزاری مانورها، تمرین‌ها و آموزش‌های نظامی این کشور در خارج از مرزهای خود تبدیل شده است و با تصویب قانون جدید مبارزه با تروریسم در کنگره این کشور، حضور نظامی آن در آسیای مرکزی با توجه به نگرانی‌های رو به رشد از فعالیت‌های تروریستی بیشتر خواهد شد. با تصویب این قانون ایجاد ساختارهای امنیتی نظامی برای به‌اشتراک‌گذاشتن اطلاعات بین پکن و پایتخت‌های آسیای مرکزی افزایش پیدا خواهد کرد (U.S.-China Economic and Security Review Commission, 2015: 409).

۲. گروه چهارجانبه ضدتروریسم تاجیکستان، پاکستان، چین و افغانستان (شکل‌گیری پیوندهای جدید امنیتی): چین، تاجیکستان، افغانستان و پاکستان در دیداری چهارجانبه در اوت ۲۰۱۶ در ارومچی، پایتخت سین‌کیانگ چین، با به‌رسمیت‌شناختن تروریسم و افراط‌گرایی به‌عنوان تهدیدی علیه ثبات منطقه، به ایجاد ائتلاف چهارگانه در مبارزه با تروریسم اقدام کردند. در این دیدار که فرمانده ارتش افغانستان، فرمانده ارتش پاکستان، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح تاجیکستان و وزیر دفاع چین حضور داشتند بر مبارزه مؤثر علیه شبه‌نظامیان افراط‌گرا تأکید شد. همچنین درباره به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات امنیتی و آموزش نیروهای نظامی به توافق رسیدند. وزیر دفاع چین از افغانستان خواست که پکن را در مبارزه علیه جنبش ترکستان شرق اسلامی حمایت کند (Reuters, 2016).

نتیجه

در این نوشتار تلاش شد چگونگی تغییر سیاست خارجی چین در دوره‌های هو جین‌تائو و شی جین‌پینگ نسبت به آسیای مرکزی، به‌ویژه ملاحظات امنیتی این دولت بر محور رویارویی با تهدید ناشی از تروریسم در منطقه بحث و بررسی شود. فرضیه اصلی نوشتار بر بروز و قوام‌گیری این سیاست به‌ویژه در سال‌های رهبری شی تأکید داشت. برای به‌آزمون‌کشیدن فرضیه نیز از مستندها و دلیل‌های فراوانی سود برده شد. بر این پایه، مشخص شد که دامنه سیاست‌سازی چین در دوره شی بر محور رویارویی با تهدید، ناشی از تحركات تروریستی در سطح‌های داخلی و منطقه‌ای از تنوع، گستردگی و نهادینگی بیشتری در مقایسه با دوره هو برخوردار بود. بدون تردید این نوع تغییر را نمی‌توان بی‌ارتباط با دغدغه‌های بین‌المللی‌گرایی رهبری کنونی این کشور دانست. در این مورد آرمان‌هایی چون رؤیای چینی قابل تأمل است، به‌ویژه در زمانی که بخش مهمی از ادبیات مربوط به «جهان پس‌آمریکا» به جایگاه و موقعیت بین‌المللی این دولت در چهره‌بازیگری نافذ و هدایت‌گر توجه دارد. البته نباید فراموش کرد که

بخش مهمی از زمینه‌های ایجاد یا تشدید حرکت‌های تروریستی در محیط امنیتی چین، به الگوی مدیریت سیاسی و اجتماعی این دولت باز می‌گردد. به بیان دیگر، هرچند رهبران پکن همواره نسبت به «حفاظت از امنیت ملی و ثبات اجتماعی» حساسیت شدید داشته‌اند و در این زمینه از «اقدام‌های قاطع» علیه تروریسم بر محور بسیج عمومی مردم و گروه‌های قومی حمایت می‌کنند؛ اما پیامدهای حاصل از نقض حقوق بشر و به‌کارگرفتن اقتدارگرایی حزبی، خود به بستری زاینده برای انگیزه‌ها و رفتارهای تروریستی و افراط‌گرا تبدیل شده است که باید مورد توجه قرار گیرد.

References

A) English

1. Atli, A. (2011), "The Role of Xinjiang Uyghur Autonomous Region in the Economic Security of China", **Orta Asya ve Kafkasya Araştırmaları**, Vol. 6, No. 12, pp. 111-133.
2. Blank, S. J. (2011), "Dragon Rising: Chinese Policy in Central Asia", **American Foreign Policy Interests**, Vol. 33, No. 6, pp. 261-272.
3. Buyarov, D. V., A. A. Kireev and A. D. Druzyaka (2016), "Demographic Situation in Xinjiang-Uigur Autonomous Area in the Last Quarter of the Twentieth Century", **Global Media Journal**, No. S3:03, pp. 1-20.
4. Buzan, B. (2010), "China in International Society: is 'Peaceful Rise' Possible?", **The Chinese Journal of International Politics**, Vol. 3, No. 1, pp. 5-36.
5. Callahan, W. A. (2016), "China's 'Asia Dream' the Belt Road Initiative and the New Regional Order", **Asian Journal of Comparative Politics**, Vol. 1, No. 3, pp. 226-243.
6. Clarke, M. (2016), "Beijing's March West: Opportunities and Challenges for China's Eurasian Pivot", **Orbis**, Vol. 60, No. 2, pp. 296-313.
7. **Crisis Group** (2015), "Syria Calling: Radicalisation in Central Asia", Available at: <https://www.crisisgroup.org/file/450/download?token=aIMu6tfW>, (Accessed on: 12/10/2015).
8. **Crisis Group** (2016), "Tajikistan: an Ever-More Fragile State in a Brittle Region", Available at: <https://www.crisisgroup.org/europe-central-asia/central-asia/tajikistan/tajikistan-ever-more-fragile-state-brittle-region>, (Accessed on: 2/5/2016).
9. Dyner, A., A. Legieć and K. Rękawek (2015), "Ready to Go?: ISIS and its Presumed Expansion into Central Asia", **PISM Policy Paper**, Vol. 19, No. 121, pp. 1-16.
10. Gustavsson, J. (1999), "How Should we Study Foreign Policy Change?", **Cooperation and Conflict**, Vol. 34, No. 1, pp. 73-95.

11. He, Kai and Huiyun Feng (2013), “Xi Jinping’s Operational Code Beliefs and China’s Foreign Policy”, **The Chinese Journal of International Politics**, Vol. 6, No. 3, pp. 209-231.
12. Heath, T. R. (2016), “Developments in China’s Military Force Projection and Expeditionary Capabilities”, **RAND National Security Research Division**, Available at: https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/testimonies/CT400/CT450/RAND_CT450.pdf, (Accessed on: 4/7/2016).
13. Ibraev, B. (2016), “Addressing the Daesh Threat in the Context of Central Asia”, **Norwegian Institute of International Affairs**, Available at: <http://www.osce-academy.net/upload/file/Brief31.pdf>, (Accessed on: 26/7/2016).
14. Kallio, J. (2016), “Xi Jinping’s Universal Rule by Virtue?”, **The Finnish Institute of International Affairs**, Briefing Paper 189, Available at: http://www.fiia.fi/en/publication/556/china_s_new_foreign_politics/, (Accessed on: 2/3/2016).
15. Kucera, Joshua (2015), “As Kerry Leaves, What’s Next for U.S. in Central Asia?”, **Eurasianet**, Available at: <https://eurasianet.org/node/75901>, (Accessed on: 13/2/2016).
16. Mackerras, C. (2012), “Causes and Ramifications of the Xinjiang July 2009 Disturbances”, **Sociology Study**, Vol. 2, No. 7, pp. 496-510.
17. Mariani, Bernardo (2013), “China’s Role and Interests in Central Asia”, **Saferworld**, Available at: <https://www.saferworld.org.uk/downloads/pubdocs/chinas-role-and-interests-in-central-asia.pdf>, (Accessed on: 9/2/2015).
18. Masayuki, M. (2009), “China’s Search for a New Foreign Policy Frontier: Concept and Practice of “Harmonious World”, China’s Shift: Global Strategy of the Rising Power”, **The National Institute for Defense Studies**, Available at: http://www.nids.mod.go.jp/english/publication/joint_research/series3/pdf/3-3.pdf, (Accessed on: 15/3/2015).
19. **Reuters** (2016), “China Joins Afghanistan, Pakistan, Tajikistan in Security Alliance”, Available at: <https://www.reuters.com/article/us-china-security/china-joins-afghanistan-pakistan-tajikistan-in-security-alliance-idUSKCN10F1A6>, (Accessed on: 11/11/2016).
20. Rumer, E., R. Sokolsky and P. Stronski (2016), “US Policy toward Central Asia 3.0”, **Carnegie Endowment for International Peace**, Available at: http://carnegieendowment.org/files/CP_259_Central_Asia_Final.pdf, (Accessed on: 7/6/2016).
21. Sørensen, C. T. (2015), “The Significance of Xi Jinping’s “Chinese Dream” for Chinese Foreign Policy: from “Tao Guang Yang Hui” to “Fen Fa You Wei””, **Journal of China and International Relations**, Vol. 3, No. 1, pp. 53-73.
22. Swanström, N. (2011), “China and Greater Central Asia-New Frontiers?”, **Central Asia – Caucasus Institute and Silk Road Studies Program**, Available

- at: http://isdpc.eu/content/uploads/publications/2011_swannstrom_china-and-greater-central-asia.pdf, (Accessed on: 6/10/2015).
23. Tanner, M. S. and J. Bellacqua (2016), "China's Response to Terrorism", **U.S.-China Economic and Security Review Commission**, Available at: https://www.uscc.gov/sites/default/files/Research/Chinas%20Response%20to%20Terrorism_CNA061616.pdf, (Accessed on: 21/12/2016).
 24. Tucker, N. (2016), "Public and State Responses to ISIS Messaging: Kazakhstan", **Central Asia Program**, Available at: https://www.liportal.de/fileadmin/user_upload/oeffentlich/Kasachstan/40_gesellschaft/CERIA_Brief_13_February_2016.pdf, (Accessed on: 12/6/2016).
 25. Tukmadiyeva, M. (2013), "Xinjiang in China's Foreign Policy toward Central Asia", **Connections: the Quarterly Journal**, Vol. 12, No. 3, pp. 87-108.
 26. **U.S.-China Economic and Security Review Commission** (2015), "Executive Summary and Recommendation", Available at: https://www.uscc.gov/sites/default/files/annual_reports/2015%20Executive%20Summary%20and%20Recommendations.pdf, (Accessed on: 29/12/2015).
 27. **Xinhuanet** (2015), "China Adopts First Counter-Terrorism Law", Available at: http://news.xinhuanet.com/english/2015-12/27/c_134955905.htm, (Accessed on: 6/2/2016).
 28. Zimmerman, T. (2015), **The New Silk Roads: China, the US, and the Future of Central Asia**, New York: Center on International Cooperation.

B) Persian

1. Khosravi, Alireza and Mehdi Mirmohammadi (2014), **An Introduction to Foreign Policy Analysis**, Tehran: Strategic Studies.
2. Koozegar Kaleji, Vali (2015), **Iran, Russia and China in Central Asia; Interaction and Confrontation with US Foreign Policy**, Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
3. Moshirzadeh, Homeira (2015), "Revival of Foreign Policy Analysis: a Multivariable Analysis", **Iranian Political Science Association**, Vol. 10, No. 3, pp. 139-171.
4. Razani, Ehsan (2010), "China's Security Relations with the Central Asian Republics after the Cold War", **Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol. 16, No. 70, pp. 47-69.
5. Vaezi, Mahmoud (2011), "Shanghai Cooperation Organization Development Process: Goals and Benefits of Founders", **Foreign Policy Association**, Vol. 30, pp. 17-60.
6. Verdinejad, Fereydoon and Others (2011), **Sustainable Dragon: China Yesterday, Today and Tomorrow**, Tehran: Ettelaat.